

پول، نقدینگی و قانونمندیهای اجتناب‌ناپذیر

نوشته سعید مافی

بسیاری افراد درکی مبهم از نقش پول در اقتصاد یک جامعه و اثرات آن در تورم، سفته‌بازی و ایجاد رکود یا رونق اقتصادی دارند. در نوشته کوتاه زیر کوشش شده است با بیانی ساده نظریه‌های اقتصاددانان مختلف در مورد نقش پول در اقتصاد عمومی یک کشور تشریح شود.

●●●

پول را ابزار مبادله، معیار سنجش، وسیله پرداخت، عاملی برای پس‌انداز و بالاخره حفظ ارزش مایملک فرد، موسسه و حتی کشور تعریف کرده‌اند، به نحوی که در دنیای امروز پول را ملاک تعیین توان نیروهای اقتصادی و مالی فرد و جامعه می‌شناسند.

بیش از نیم قرن است که بیشترین میزان توجه دانشمندان به نقش پول در اقتصاد معطوف شده است و در نظریه‌های اقتصادی نوین، پول، عامل اصلی و تعیین‌کننده محسوب می‌شود.

برای شناخت نقش پول در اقتصاد می‌توان نظریه‌های پولی را در سه گروه مورد بررسی قرار داد:

۱- نظریه‌های مقداری پول: که بیان‌گذاران آن اقتصاددانان کلاسیک مکاتب انگلیسی و آمریکایی (ریکاردو و فیش) بوده‌اند.

۲- نظریه درآمدی و روانی پول: که فون ویزر-اقتصاددان اتریشی- و آفتالیون- دانشمند فرانسوی- آترا بنیان‌گذاری کرده‌اند.

۳- نظریه‌های جدید پولی: این نظریه را جان مینارد کینز (انگلیسی) و یک دانشمند سوئدی بنام ویکسل پایه‌گذاری کرده‌اند.

الف: نظریه مقداری پول: این نظریه که سطح عمومی قیمت‌ها را تابع تغییرات حجم پول موجود در جامعه می‌داند ابتدا بوسیله ریکاردو مطرح شد، سپس استورات میل بر این نظریه فرضیه سرعت گردش پول را افزود، و نهایتاً فیشر سرعت گردش پول را به تفکیک بصورت سرعت گردش پول حقیقی و اعتباری وارد رابطه کرد:

$$M.V + M'.V' = P.T$$

در این فرمول M حجم پول در گردش، V سرعت گردش پول، M' حجم پول اعتباری، V' سرعت گردش پول اعتباری است، P میانگین و یا سطح عمومی

قیمت‌ها و T حجم داد و ستد در جامعه است که با روش جابجایی سطح عمومی قیمت‌ها از رابطه زیر بدست می‌آید.

$$P = \frac{M.V + M'.V}{T}$$

بر این نظریه ایرادهائی وارد شده است، از جمله اینکه استدلال نظریه مزبور این است که کلیه پول موجود در جامعه در یک دوره معین صرف خرید کالاها و خدمات می‌شود، حال آنکه چنین نیست و قسمتی از پول در جریان «کنز» شده و برای مدتی از مسیر خرید کالا و خدمات خارج می‌شود؛ بنابراین در جامعه تمامی کالاهای حاصل از تولید ملی بفروش نمی‌رسد بلکه غالباً قسمتی از کالاهای تولیدی انبار می‌شود و از مسیر داد و ستد در دوره مورد نظر طرفداران نظریه مقداری پول خارج می‌گردد.

ب- نظریه روانی پول: آفتالیون نظریه پرداز روانی پول با بررسی تورم سال ۱۹۲۳ آلمان که قیمت‌ها به میزانی سرسام‌آور افزایش می‌یافت، به نتایج جدیدی رسید. در سال مزبور قیمت‌ها در آلمان لحظه به لحظه ترقی می‌کرد و حتی از ظهر تا ساعت یک بعد از ظهر قیمت غذا در رستوران‌ها چندین برابر می‌شد. با توجه به این پدیده وی نتیجه گرفت که افزایش شدید قیمت‌ها نمی‌تواند تابع تحوّل درآمد باشد، زیرا درآمدها در جامعه از لحظه‌ای تا لحظه دیگر در تحوّل نیستند و لذا عامل این افزایش باید در جنبه روانی پول باشد.

بر این نظریه نیز ایرادهائی گرفته شده است، از جمله این که چنین دیدگاهی محدود به مصرف می‌باشد و تولید در واقع انعکاسی از مصرف است. ضمناً در این نظریه به ارتباط تغییرات تولید در مواقع ترقی قیمت‌ها توجه نشده است و تغییرات حجم تولید و داد و ستد نیز مورد توجه قرار نگرفته است.

ج- نظریه‌های جدید پولی: کینز در سال ۱۹۲۴ کتابی بنام فرورم پولی منتشر کرد که تحولی در نظریه مقداری پول بوجود آورد. در معادله پولی کینز که به معادله کامبریج مشهور است در یک لحظه از زمان بین عوامل پولی و قیمت‌ها ارتباط برقرار می‌شود. کینز یک واحد مصرفی مرکب از مواد مختلف را در بودجه خانوادگی بر حسب کشورهای مختلف در نظر گرفته بود. این واحد مصرفی مرکب از مواد مختلف را کینز در نظریه کامبریج به یک زنبیل مواد خریداری شده از بازار تعبیر کرده بود؛ قیمت متوسط مواد این سبد P است و

افراد برای خرید آنها از دو نوع پول حقیقی و پول اعتباری استفاده می‌کنند، حجم پول حقیقی، یا اسکناس، با K و حجم پول اعتباری، یا چک که معادل سپرده‌های دیداری افراد است، با K' نمایش داده می‌شود. افراد برای تهیه مواد مورد مصرف به قیمت P مجبورند به میزان K.P اسکناس، و به میزان K'.P از سپرده‌های بانکی خود بصورت چک استفاده کنند. حال چنانچه نسبت بین حجم پول اعتباری به پول حقیقی که بانکها مجبورند در صندوق نگهداری نمایند را با R نشان دهیم، رابطه پول اعتباری و پول حقیقی و قیمت‌ها بصورت زیر در می‌آید.

$$N = K.P + KPR$$

و چنانچه از P فاکتور بگیریم رابطه زیر برقرار می‌شود: $N = P(K + K'R)$

در این رابطه تغییرات قیمت‌ها به حجم پول در گردش بستگی دارد و دولت‌ها می‌توانند با تغییرات N و R قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. یعنی در معادله فوق هر یک از عوامل رابطه بصورت N و K و K' می‌توانند قیمت‌ها را تغییر دهند (N در رابطه فوق حجم اسکناس در گردش است)

مبانی نظریه کینز

کینز پول در گردش را به دو بخش تقسیم می‌کند که یک قسمت صرف داد و ستد، و قسمت دیگر صرف سفته‌بازی می‌شود و عوامل مؤثر بر آن، پیش‌بینی پول-نرخ بهره پول و تولید می‌باشند. کینز تقاضای پول در جامعه را با انگیزه‌های زیر تبیین می‌کند. ۱- انگیزه درآمد ۲- انگیزه مؤسسان ۳- انگیزه احتیاطی ۴- انگیزه سفته‌بازی.

الف: تزریق پول: الف- در بخش مصرف. ب- در بخش تولید

الف: تزریق پول در بخش مصرف به صورت زیر عملی شود

۱- وجود کسر بودجه و انتشار اسکناس اضافی به منظور افزایش مخارج مصرفی بصورت افزایش حقوق کارمندان و دستمزد کارگران بخش دولتی که در انتشار کم درآمد به افزایش مصرف می‌انجامد (بالا بودن ضریب انگل)، ولی در انتشار صرفه قسمتی پس‌انداز می‌شود.

۲- تزریق پول با هدف افزایش حقوق کارمندان و

دستمزد کارگران وابسته به اقتصاد خصوصی که همان اثرات بند (۱) را دارد.

۳- تزریق پول به دنبال تغییر عوامل روانی افراد و پیش‌بینی وضعیت آینده اقتصادی که حجم پول به دلیل جریان مجدد پولهای کتزر شده توسط افراد افزایش می‌یابد.

ب: تزریق پول در بخش تولید بصورت زیر انجام می‌شود

۱- تزریق پول به دلیل کسر بودجه با انتشار اسکناس

جمع‌آوری نقدینگی زمانی کارساز است که وجوه جمع‌آوری شده مجدداً به شبکه بانکی باز نگردد

اضافی در مواقع افزایش مخارج عمرانی.

۲- تزریق پول از طریق افزایش اعتبارات بانکی جهت افزایش وسایل تولید.

۳- تزریق پول به دلیل کسری تراز پرداخت‌ها که منجر به ورود سرمایه‌های خارجی در راه توسعه تولید می‌شود.

۴- تزریق پول از طریق استهلاک

قرضه‌های دولتی که موجب برگشت پول به اقتصاد خصوصی به منظور سرمایه‌گذاری‌های خصوصی می‌شود. لازم به ذکر است که حجم پول و نقدینگی در گردش برابر است با تعداد سپرده‌های فعال (سپرده‌های دیداری) نظام بانکی ضربدر ضریب تکاثر.

برای روشن شدن این موضوع ناگزیریم برخی از اصطلاحات را تعریف کنیم.

ضریب تکاثر برابر است با معکوس نسبتی از سپرده‌های نظام بانکی که این نظام موظف است در بانک مرکزی به وثیقه بگذارد؛ مثلاً اگر بانکها موظف باشند ۱۰ درصد از مبالغی را که مردم نزد آنها سپرده گذاشته‌اند به بانک مرکزی تحویل دهند، حجم پول و نقدینگی در **سیکل** (که معکوس ده در صد می‌باشد) ضرب می‌شود. و به تعبیری در یک اقتصاد ملی نقدینگی به مجموع اسکناس و مسکوکات در دست مردم باضافه سپرده‌های آنان نزد بانکها اطلاق می‌شود، و یا به عبارتی پول نقد بخش خصوصی و عمومی به علاوه موجودی آنها نزد بانکهای کشور نقدینگی نامیده می‌شود. این پولها بسته نیست و به سهولت جابجا می‌شود و چون آب روان راه خود را باز می‌کند.

میزان نقدینگی کشور خودمان تا پایان نیمه اول امسال (سال ۷۴) از مرز ۷۰ هزار میلیارد ریال تجاوز کرده بود. افزایش حجم نقدینگی آثار تورمی دارد و برای کاستن از تورم یا بایستی تولید را افزایش داد و یا از

حجم نقدینگی کاست.

راههای کاهش حجم نقدینگی

۱- تشویق پس‌انداز اختیاری؛ البته به شیوه‌ای که بین بهره پرداختی و بهره دریافتی آن چنان تفاوت فاحشی نباشد که مردم، از انجام آن سرباز زنند و مسئولین بانکها نیز مجبور نشوند با دادن جوایزی به ارزش نیمی از موجودی خزانه خود، درست یا غلط در مردم ایجاد رغبت کنند. ایجاد این باور که مردم بانکها را امین و

۵- فروش اوراق مشارکت؛ مثل طرح نواب و فروشگاههای رفاه، و البته با جذابیت و شفافیت بیشتر به نحوی که برای عموم مشخص باشد و جوجه حاصل از فروش این قبیل اوراق واقعاً به مصرف کارهای زیربنایی می‌رسد و سود آن نصیب جامعه می‌شود.

هر پننج راه حل فوق زمانی کارساز است که نقدینگی‌های جمع‌آوری شده به خزانه کشور انتقال یابد، زیرا داخل شدن مجدد این نقدینگی‌ها به شبکه بانکی نه تنها آثار مثبت آن راه‌حله را خنثی می‌کند بلکه آثار تورمی مجدد نیز دارد. نمونه بارز اثرات منفی تزریق مجدد نقدینگی جمع‌آوری شده به شبکه بانکی حادثه‌ای بود که در سال ۷۳ اتفاق افتاد و مسئول آن نیز مقامات وقت بانک مرکزی بودند. مقصود ما همان ماجرای پرداخت ۵ هزار دلار به هر متقاضی بدون هیچ شرطی است که باعث شد مبلغی حدود ۸ میلیارد دلار با ریال تعویض شود. مبلغ ریالی حاصل از فروش این مقدار ارز نه تنها وارد خزانه نشد بلکه مجدداً وارد جریان پولی در شبکه بانکی شد و باعث افزایش حجم نقدینگی گردید و تورم را تشدید کرد. از سوی دیگر هیچ‌گونه اقدامی برای برگشت این دلارها انجام نشد و اگر هم اقداماتی انجام شده باشد ما از آن بی‌خبریم.

رشد نقدینگی و تولید ناخالص ملی

در هر برنامه‌ریزی برای تنظیم سیاست پولی کشور باید این نکته را در نظر گرفت که کاهش حجم نقدینگی باید آفتدار باشد که واقعاً تقاضای مؤثر را تقلیل دهد. در دهساله اخیر حجم نقدینگی بین ۳۰ تا ۷۰ درصد در سال

رشد داشته است، حال آنکه خوش‌بینانه‌ترین برآوردها رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) را بطور متوسط ۷/۷ درصد نشان می‌دهد. وقت آن است آنهایی که در سیکل سرمایه فساد می‌کنند و با هر دستاویزی به افزایش آن می‌پردازند بدانند که در خانه خود زندگی می‌کنند. و مدیران ما نیز بجای این که به مانده‌های تراز یک دوره خود بیندیشند افاق‌های دورتری را مد نظر قرار دهند تا بتوان بین دو نسبت فوق تعادلی برقرار کرد و مانع کاهش بیشتر ارزش پول ملی شد. جمله معروف جان مینارد کینز در سال ۱۹۱۹ به ما هشدار می‌دهد که **برای واژگون کردن بنیان موجود یک جامعه راهی زیرکانه‌تر و مطمئن‌تر از ایجاد فساد در نظام پولی آن جامعه نیست.** چون این فرآیند تمام نیروهای پنهانی قوانین اقتصادی را در جهت تخریب بکار می‌گیرد و این تخریب به نحوی است که از هر یک میلیون نفر افراد آن جامعه حتی یک نفر قادر به تشخیص آن نیست. □



۳- افزایش مالیات؛ ایجاد یک سیستم صحیح اخذ مالیات همراه با وجود آوردن فرهنگ مالیاتی و تربیت مأمورین آگاه و آشنا به علوم لازم. از حرکت حجم نقدینگی جامعه در یک دوره می‌توان حدود مالیات دریافتی را با درصدی افزایش و کاهش تعیین کرد. باید توجه داشت که اگر مغایرتی در این ارقام بوجود آمد (که در حال حاضر و در نظام مالیاتی ما وجود دارد)، علت کسری دریافت از کاسب خرده‌پا نیست، مشکل در عدم پرداخت مالیات بوسیله صاحب یک فروشگاه، یک سوپر یا یک نانواپی نیست، بلکه مشکل مربوط به آنهایی است که یک شبه میلیارد شده‌اند و بدون این که در سیکل مالیاتی قرار بگیرند همچنان بر حجم نقدینگی خود می‌افزایند و بر ناهنجاری اقتصاد بیمار جامعه دامن می‌زنند.

۴- فروش اوراق قرضه؛ فروش اوراق قرضه در یک دوره و پرداخت آن به صورت دارایی جنسی.